

اثربخشی آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران در کاهش دلبستگی نایمن و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مقطع دبستان شهر اصفهان

افسانه حسن‌پور^۱، فرشید اصلانی^۲، زهره گودرزی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: ریشه بسیاری از مشکلات رشدی، عاطفی، رفتاری، اجتماعی و... ناشی از شکل‌گیری دلبستگی نایمن و شرایط حاکم بر آن می‌باشد. از این‌رو، آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران در کاهش دلبستگی نایمن و مشکلات رفتاری راه‌حل مناسبی برای مشکل فوق است.

مواد و روش‌ها: نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی - خوشه‌ای، انتخاب و در دو گروه آزمایش و شاهد جایگزین شدند. آزمودنی‌ها در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند. آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران در گروه آزمایش و در ۸ جلسه به شکل گروهی انجام گرفت و گروه شاهد در طی پژوهش هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکرد. داده‌ها با استفاده از آزمون کواریانس در نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: در نتیجه آموزش مهارت‌های عاطفی، کیفیت دلبستگی آزمودنی‌ها در گروه آزمایش نسبت به گروه شاهد به طور معنی‌داری افزایش یافت ($P \leq 0/05$). همچنین، کاهش معنی‌داری نیز در میزان مشکلات رفتاری کودکان مشاهده شد ($P \leq 0/05$).

نتیجه‌گیری: به وجود آوردن تغییراتی در حساسیت مادرانه، پیش‌بینی‌کننده بسیار قوی برای تغییر دلبستگی کودک می‌باشد. مشکل بسیاری از مادران این است که شیوه و زمان تعاملشان با نیازهای کودک همسان نیست. حساسیت مادرانه می‌تواند از طریق آموزش مهارت‌ها به دست آید. علاوه بر این، افزایش حساسیت مادرانه بر روی فرایندهای توجهی مادر اثر می‌گذارد و باعث می‌شود که رفتارهای فعلی کودک خود را بهتر درک کند.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های عاطفی، دلبستگی نایمن، مشکلات رفتاری، دانش‌آموزان

ارجاع: حسن‌پور افسانه، اصلانی فرشید، گودرزی زهره. اثربخشی آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران در کاهش دلبستگی نایمن و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مقطع دبستان شهر اصفهان. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۴؛ ۱۳ (۴): ۶۳۰-۶۲۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۲۹

مقدمه

امنیت پیدا می‌کند که بدانند در موقع نیاز کسی وجود دارد که بتواند به او رجوع کند (۶). این حس امنیت انعکاسی از این احساس است که افراد معنی‌دار زندگی فرد نسبت به او پاسخگو بوده و او را دوست داشته‌اند. این حس در نهایت، بر نگرش فرد نسبت به ماهیت انسان و جهان اطرافش تأثیر می‌گذارد. در این حالت، فرد اتفاقات و افراد دیگر را بیشتر به صورت مثبت تعبیر و تفسیر می‌کند. دلبستگی ایمن (Secure attachment)، مکمل خودمختاری است. نظریه دلبستگی یکی از مهم‌ترین منابع پیش‌افزا برای درک ارتباط بین کیفیت رشد کودک و تأثیر آن بر سلامت ذهنی کودک است (۷).

همسو با نظریه دلبستگی، نتایج برخی تحقیقات نیز نشان می‌دهد که شکست مادر در ایجاد یک ارتباط گرم، حساس و پاسخ‌دهنده در سال اول زندگی، مشکلات رفتاری پایداری در کودک ایجاد می‌کند. همچنین، کودکانی که تجربه اقامت بیشتری در مراکز نگهداری داشتند، از نظر تکامل رفتاری به میزان قابل توجهی پیشرفت کمتری داشتند، دچار دلبستگی نایمن

ارتباط کودک با محیط پیرامونی خویش از همان ابتدایی‌ترین لحظات تولد و حتی قبل از آن آغاز می‌گردد. مادر عامل اصلی ایجاد‌کننده اولین تجربیات و رویدادها برای کودک محسوب می‌گردد. به همین دلیل، مادر و رویدادهای اولیه دوران رشد، در رشد و تحول کودک و حتی درمان مشکلات احتمالی رشد کودک تأثیر بسزایی دارد. اکثر نظریه‌پردازان، تجربه‌های اولیه زندگی کودک را در رشد بعدی او بسیار مهم می‌دانند (۳-۱). این تأثیرات از ماه‌های اول ارتباط کودک با تصویر مادرش شروع شده، در طول سال‌های کودکی و نوجوانی در ارتباطاتش با هر دو والد وسعت می‌یابد. به این ترتیب، اشکال مختلف دلبستگی که شیوه رفتار او را در موقعیت‌های مختلف تعیین می‌کند، پایه‌گذاری می‌شود. این الگوها، اساس تمام تجارب او و در نتیجه تمام برنامه زندگی را تشکیل می‌دهد (۵، ۴).
بر طبق نظریه دلبستگی، یک فرد زمانی نسبت به جهان اطراف خود حس

- ۱- کارشناس ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
 - ۲- مربی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور فریدونشهر، اصفهان، ایران
 - ۳- مربی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور فریدونشهر، اصفهان، ایران
- نویسنده مسؤول: فرشید اصلانی

Email: farshidaslani.phdpnu@yahoo.com

می‌دهند، لزوم و فضای خالی جهت انجام پژوهشی پیرامون این مسأله احساس می‌گردد تا به بررسی دقیق‌تر، پیشگیری و درمان این مشکلات پرداخته شود.

با توجه به آن چه مطرح شد، هدف از انجام مطالعه حاضر، بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران بر بهبود کیفیت دلبستگی و کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مقطع دبستان شهر اصفهان بود. بنابراین، فرضیه اصلی پژوهش حاضر به این صورت مطرح می‌شود: مهارت‌های عاطفی مادران تأثیر معنی‌داری بر مشکلات رفتاری و دلبستگی نایمن کودکان دارد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع نیمه‌تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون به همراه گروه شاهد بود. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر کلیه زوج‌های مادر-فرزندی از میان دانش‌آموزان دختر پایه سوم تا پنجم دبستان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ شهر اصفهان بود. نمونه‌گیری به صورت تصادفی-خوشه‌ای انجام شد. برای جمع‌آوری نمونه مورد نظر، ابتدا از میان مناطق پنج‌گانه آموزش و پرورش شهر اصفهان، ناحیه سه و از میان مدارس مقطع ابتدایی دخترانه ناحیه سه، یک مدرسه به صورت تصادفی انتخاب گردید. پس از جلب همکاری و هماهنگی با مدیریت مدرسه، از بین دانش‌آموزان پایه سوم تا پنجم، دانش‌آموزان یک کلاس ۱۶ نفری به همراه مادرانشان به صورت تصادفی انتخاب شدند و بعد از کسب موافقت والدین در مورد شرکت در جلسات آموزشی و تکمیل پرسش‌نامه‌ها توسط والدین و کودکان، پیش‌آزمون اجرا شد. سپس، از بین والدین این کلاس ۱۶ نفری، ۸ نفر به صورت تصادفی گروه آزمایش و ۸ نفر گروه شاهد را تشکیل دادند. آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران گروه آزمایش داده شد و این آموزش در ۸ جلسه دو ساعته به شکل گروهی انجام گرفت. گروه شاهد نیز از نوع لیست انتظار بود و در طی پژوهش هیچ‌گونه مداخله آموزشی را دریافت نکردند.

خلاصه‌ای از دستورالعمل اجرایی جلسات گروهی آموزش مهارت‌های عاطفی به شرح زیر بود:

جلسه اول: آشنایی با شرکت‌کنندگان و ایجاد جو آرام و قابل اعتمادی بین اعضای گروه و سپس آگاه شدن از نیازهای عاطفی و اهمیت و ضرورت آن با تأکید بر نقش آن در شکل‌گیری دلبستگی ایمن و همچنین، تأکید بر آموزش‌پذیری مهارت‌های عاطفی. جلسه دوم: چگونگی تأثیر مهارت‌های عاطفی بر سلامت جسمانی، روانی، شناختی و رشد اجتماعی کودک. جلسه سوم: آشنا ساختن مادران با ابعاد مهارت‌های عاطفی و اهمیت آن‌ها و همچنین، آموزش مهارت‌های درک احساس خود، شناخت احساس و تعریف آن، اهمیت و ضرورت شناخت احساس خود و احساس دیگران، راه‌های افزایش شناخت احساس خود. جلسه چهارم: چگونگی بیان احساس به شکل صحیح و ابراز احساسات به دیگران و به خصوص به کودک خود. جلسه پنجم: چگونگی و اهمیت نوازش‌های کلامی، اهمیت لمس کودک. جلسه ششم: چگونگی حمایت صحیح کودک و این که چگونه و به چه میزان در دسترس کودک خود باشیم و همچنین، چگونه بتوانیم با کودک خود گفت‌وگو صحیح همراه با درک و احساس کودک داشته باشیم. جلسه هفتم: اهمیت چگونگی پاسخگو بودن به کودک و طریقه همدلی و مراقبت کودک و چگونگی مدیریت احساسات. جلسه هشتم: گرفتن بازخورد از مادران برای شرکت در این جلسات آموزشی و جمع‌بندی جلسات.

داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آزمون تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

(Insecure attachment) بودند و با پدر و مادرخوانده خود نیز مشکلات رفتاری (Behavior problems) بیشتری داشتند (۱).

نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که والدین دارای مهارت‌های عاطفی، زمانی که با احساسات خشم و غم روبه‌رو می‌شوند، قادرند آن احساسات را مدیریت کنند و با کودکانشان صحبت کنند. امروزه باور بر این است که مهارت‌های عاطفی به فرد کمک می‌کند تا از توانمندی‌هایش بهتر استفاده کند. به بیان دیگر، توانمندی‌های شناختی تنها در کنار توانمندی‌های عاطفی می‌تواند کارایی بهینه خود را داشته باشد و به رفتارها با کارکردهای بهتر بینجامد (۸).

ترک لادانی و همکاران نشان دادند که آموزش مهارت‌های زندگی به مادران، بر کاهش مشکلات رفتاری تأثیر دارد (۳).

علاوه بر این، نتایج پژوهش‌ها نشان داد که کودکانی با دلبستگی ایمن‌تر آماجگویی بیشتری برای همیاری و همدلی با مادر داشتند (۹). از سویی، کودکان با دلبستگی نایمن، به دلیل فقدان و خشونت حل نشده خشم، دارای ترس، نگرانی و احساس شرم قابل توجهی هستند. آن‌ها هرگز یاد نگرفته‌اند که چگونه عواطف خود را شناسایی کنند، آن‌ها را نظم دهند و به طور مؤثر با آن ارتباط برقرار کنند. از این‌رو، این عواطف برای کاهش آسیب‌پذیری، زیر نقاب پاسخ‌های خشم و اجتناب پنهان شده است (۱۰). مادران کودکان دلبسته نایمن (به خصوص از نوع اجتنابی) نسبت به مادران کودکان دلبسته ایمن، دشواری بیشتری در تنظیم هیجانی خود و عملکرد والدی در موقعیت‌های ناراحتی کودک دارند (۱۱). همچنین، مادران کودکانی که به‌تازگی در مقوله ایمن قرار می‌گیرند، نسبت به مادران کودکان نایمن، توانایی بیشتری برای حفظ حساسیت در شرایط ناراحتی کودک خود دارند. منظور از میزان حساسیت مادری، پاسخ‌دهی مناسب و به موقع مادر به علائم کودک و قابل دسترس بودن او است (۹). در مطالعه‌ای بیان شد که علاوه بر اهمیت رفتار مادر در تحول دلبستگی، ویژگی‌های کودک از جمله سطح فعالیت کودک، سطح تحریک‌پذیری و وضعیت خلقی او نیز دارای اهمیت خاصی است (۱۲).

آگاه‌سازی و آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران ایرانی که کودکانی با دلبستگی نایمن دارند، می‌تواند آن‌ها را در جهت شکل‌گیری دلبستگی ایمن کودکانشان هدایت کند. Goodman و Gotlib گزارش کردند که کلاس‌های آموزش مهارت‌های هیجانی با یاد دادن مهارت‌های اساسی عاطفی، تغییرات شگرفی را بر رفتار افراد باقی می‌گذارد (۱۳). از مزایای این‌گونه کلاس‌ها، می‌توان به آموزش مهارت‌های عاطفی شامل خودآگاهی، چگونگی بیان احساسات به خود و دیگران، به کار بردن درست هیجان‌ها، شناخت عواطف دیگران، مراقبت‌های کلامی، نوازش، حمایت و در دسترس بودن مادران و مهارت ارتباط با دیگران اشاره کرد. از آنجایی که بسیاری از مشکلات رشدی، عاطفی، رفتاری، اجتماعی و... ناشی از شکل‌گیری دلبستگی نایمن و شرایط حاکم بر آن می‌باشند. امروزه، در بحث درمان مشکلات رشدی و رفتاری کودکان، تأکید بسیاری بر فرایند شکل‌گیری دلبستگی، رفتار مادرانه و رفتار کودک وجود دارد.

همچنین، با توجه به اهمیت نقش مادر طی سال‌های اولیه رشد بر شخصیت کودک و شکل‌گیری دلبستگی و لزوم آگاهی به موقع مادران جهت اصلاح رفتارهای مادرانه، نیاز به یک الگوی مدون و مبتنی بر پژوهش در این راستا احساس می‌گردد. از آنجایی که مراجعان مشکلات رفتاری و ارتباطی مادر و کودک سهم زیادی از مراجعه‌کنندگان مراکز مشاوره را در ایران تشکیل

مادران بر دل‌بستگی و مشکلات رفتاری کودکان بود. بدین منظور، از تحلیل کوواریانس استفاده شد.

در جدول ۱، دو پیش‌فرض تحلیل کوواریانس یعنی همگنی واریانس‌ها و همگنی ضریب شیب رگرسیونی بین متغیر کمکی و متغیر وابسته بررسی شد.

جدول ۱. بررسی پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس دل‌بستگی و مشکلات رفتاری

متغیرها	همگنی شیب رگرسیونی		همگنی واریانس‌ها	
	F	سطح معنی‌داری	F	سطح معنی‌داری
دل‌بستگی	۰/۸۷۸	۰/۳۷۱	۱/۹۷	۰/۱۸۵
مشکلات رفتاری	۰/۳۳۱	۰/۵۹۶	۴/۴۹	۰/۰۷۹

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۱، می‌توان چنین بیان داشت که پیش‌فرض‌های همگنی واریانس‌ها و همچنین، همگنی شیب رگرسیونی در مؤلفه‌های دل‌بستگی و مشکلات رفتاری رعایت شده است. در نتیجه، می‌توان از تحلیل کوواریانس استفاده کرد. آمار توصیفی دل‌بستگی و مشکلات رفتاری آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی نمرات دل‌بستگی و مشکلات رفتاری آزمودنی‌ها بر حسب گروه

متغیر	تعداد	میانگین \pm انحراف معیار
دل‌بستگی	پیش‌آزمون	۲۰/۵۰ \pm ۴/۴۴
	پس‌آزمون	۱۸/۶۶ \pm ۳/۴۳
مشکلات رفتاری	پیش‌آزمون	۳۷/۱۶ \pm ۴/۹۱
	پس‌آزمون	۳/۰۰ \pm ۱/۴۱

در جدول ۲ نتایج پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه شاهد و آزمایش ارائه شده است. حال با استفاده از تحلیل کوواریانس، اثر پیش‌آزمون بر روی پس‌آزمون برداشته شد و پس از آن، میانگین‌های دو گروه شاهد و آزمایش مقایسه گردید. نتایج حاصل شده در جدول ۳ آمده است.

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۳، می‌توان این گونه بیان داشت که آموزش‌های مهارتی مادران بر دل‌بستگی و مشکلات رفتاری کودکان دارای تأثیر معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین، فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی تفاوت مشکلات رفتاری و دل‌بستگی در بین گروه‌های پژوهش

متغیر	مراحل پژوهش	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	مجذورات	توان آزمون
مشکلات رفتاری	پیش‌آزمون	۲۱/۸۴۰	۱	۲۱/۸۴۰	۱/۰۸۱	۰/۳۴۶	۰/۱۷۸	۰/۱۳۷
	پس‌آزمون	۸۶۲/۰۸۳	۱	۸۶۲/۰۸۳	۴۲/۶۸۰	۰/۰۰۱	۰/۸۹۵	۰/۹۹۹
دل‌بستگی	پیش‌آزمون	۲۷/۱۱۷	۱	۲۷/۱۱۷	۲/۰۵۹	۰/۱۷۹	۰/۱۵۸	۰/۲۵۹
	پس‌آزمون	۶۱/۹۷۰	۱	۶۱/۹۷۰	۴/۹۴۰	۰/۰۴۳	۰/۳۶۴	۰/۵۴۲

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت بود از:

۱- سیاهه تجدید نظر شده دل‌بستگی نسبت به والدین و گروه همسالان در کودکان: این پرسش‌نامه توسط Gullone و Robinson طراحی شد تا ابعاد شناختی و عواطف مثبت و منفی را در کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال اندازه‌گیری کند (۱۴). این ابزار شامل دو مقیاس دل‌بستگی نسبت به والدین و دل‌بستگی نسبت به گروه همسالان می‌باشد. ۲۸ سؤال مربوط به اندازه‌گیری دل‌بستگی نسبت به والدین می‌باشد و ۲۰ سؤال میزان دل‌بستگی نسبت به همسالان را اندازه‌گیری می‌کند. در تحقیق حاضر، پایایی این پرسش‌نامه از طریق ضریب Cronbach's alpha برابر ۰/۸۲ به دست آمد. ضریب Cronbach's alpha این ابزار توسط شاکه‌نیا و همکاران برای زیرمقیاس اعتماد، ارتباط و بیگانگی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۷۷ گزارش شده است (۱۵). این مقادیر در پژوهش حاضر برای زیرمقیاس‌های اعتماد، ۰/۶۸ و برای ارتباط و بیگانگی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۵۸ محاسبه گردید. تحلیل عاملی تأییدی نیز، همان سه بعد اصلی دل‌بستگی یعنی اعتماد، ارتباط و بیگانگی را نشان داد. همچنین، پایایی بازآزمایی این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر بر روی ۴۰ آزمودنی مورد بررسی قرار گرفت. ضریب همبستگی بین دوبار اجرای آزمون با فاصله دو هفته، ۰/۷۷ به دست آمد.

۲- پرسش‌نامه تشخیص-ارزیابی رفتاری Ratter (فرم والدین): این پرسش‌نامه توسط Ratter ساخته شده است و شامل دو فرم والدین (۳۱ سؤال) و معلم (۳۰ سؤال) می‌باشد. پرسش‌نامه Ratter ۳۰ ماده دارد که ۵ عامل پرخاشگری، بیش‌فعالی، اضطراب و افسردگی، ناسازگاری اجتماعی، رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال کمبود توجه را اندازه‌گیری می‌کند. در مطالعه‌ای با به کار بردن روش دو نیمه کردن، پایایی پرسش‌نامه در حدود ۰/۸۹ و از طریق بازآزمایی بر روی ۹۰ نفر به مدت ۱۳ هفته، پایایی آن ۰/۸۵ گزارش گردید (۱۶). این پرسش‌نامه در ایران در پژوهش‌های متعددی مورد استفاده و تأیید قرار گرفته است (۱۷). داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS (SPSS Inc., Chicago, IL) تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها

بر اساس آزمون Kolmogorov-Smirnov، متغیرهای دل‌بستگی (۱/۱۸۰)، افسردگی (۰/۹۴۰) و مشکلات رفتاری (۰/۸۲۵) دارای مقادیر نرمال بودند و سطح معنی‌داری نیز برای تمام مؤلفه‌های مذکور بزرگ‌تر از مقدار خطای ۰/۰۵ به دست آمد (مقدار P برای متغیرهای دل‌بستگی، افسردگی و مشکلات رفتاری به ترتیب ۰/۸۵۱، ۰/۷۶۱ و ۰/۸۴۳ بود). هدف از انجام این تحقیق، بررسی تأثیر آموزش‌های مهارت‌های عاطفی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران در کاهش دلبستگی نایمن و مشکلات رفتاری در کودکان پایه سوم تا پنجم دبستان شهر اصفهان بود. نتایج پژوهش نشان داد که آرایه آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران، موجب بهبود میزان دلبستگی نایمن کودکان در مرحله پس‌آزمون می‌شود و همچنین، میزان مشکلات رفتاری کودکان را نیز کاهش می‌دهد. پژوهش حاضر با بیان این مطلب که اصلاح و بهبود رفتار مادرانه می‌تواند دلبستگی کودکان را بهبود بخشد، با برخی مطالعات (۱۹، ۱۸) همخوانی دارد.

نتایج به دست آمده از مطالعه Van den boom نشان داد که بین حساسیت مادرانه و دلبستگی کودک رابطه معنی‌داری وجود دارد (۲۰). در نتیجه، آموزش حساسیت مادرانه می‌تواند موجب بهبود دلبستگی کودک شود. برخی شواهد گویای آن است که رابطه قوی بین حساسیت مادرانه (زیرمقیاس مسؤلیت از ابعاد اصلی رفتار مادرانه در پژوهش حاضر) با رشد دلبستگی برقرار است (۲۱). بنابراین، تغییرات در حساسیت مادرانه از طریق آموزش می‌تواند بر تغییر سبک دلبستگی کودک اثرگذار باشد. به عبارتی، به وجود آوردن تغییراتی در حساسیت مادرانه، پیش‌بینی‌کننده بسیار قوی برای تغییر دلبستگی کودک می‌باشد. در این پژوهش نیز حساسیت مادرانه زیرمقیاس یکی از ابعاد اصلی رفتار مادرانه یعنی مسؤلیت بود.

از آن‌جا که پاسخ‌دهی حساس مراقب به نیازهای کودک شیرخوار منجر به دلبستگی ایمن می‌شود، مادران شیرخوارگان دلبسته ایمن در برابر گریه کودک اغلب به سرعت واکنش نشان می‌دهند و وقتی او را بغل می‌کنند، رفتار محبت‌آمیز دارند. آن‌ها همچنین، پاسخ‌های خود را با نیازهای شیرخوار هماهنگ می‌کنند، اما در مورد کودکان دلبسته نایمن، مادران بیشتر بر اساس تمایلات یا حالات خلقی خود و بر مبنای علائم دریافتی از کودک پاسخ می‌دهند. مادران شیرخواران نایمن اجتنابی، فرزند خود را به اندازه شیرخوران وابسته ایمن در آغوش می‌گیرند، اما به نظر می‌رسد که به اندازه مادران کودکان دلبسته ایمن، از تماس بدنی با فرزند خود لذت نمی‌برند و حتی گاهی طرد کننده هستند. به ویژه، هنگامی که کودک آشفته است و نیاز به تسلی دارد، از تماس بدنی با او پرهیز می‌کنند. این مادران در عین حال، رفتار انعطاف‌ناپذیر و وسواسی دارند. مادران کودکان دلبسته نایمن دوسوگرا، رویه همسانی در مراقبت از کودک ندارند. آن‌ها گاهی در پاسخ‌دهی به کودک بسیار حساس هستند و گاهی توجهی به او ندارند و در مواقعی نیز رفتارهایشان مزاحم کودک است. مشکل این مادران این است که شیوه و زمان تعاملشان با نیازهای کودک همسان نیست. Van den boom در مداخله مبتنی بر دلبستگی خود سعی کرد تا بر روی

مادرانی که عملکرد خوبی نداشتند، حساسیت مادرانه را بالا ببرد (۲۰). نتایج پژوهش او نشان داد که پاسخگویی، حساسیت و برانگیختگی مادران بعد از درمان، افزایش یافت و منجر به اجتماعی‌تر شدن کودک و پیچیده‌تر شدن ساختارهای شناختی او به هنگام مکاشفه شد. یکی از مهم‌ترین یافته‌های مطالعه فوق این بود که نمرات دلبستگی ایمن کودکان افزایش داشت. این یافته محقق را به این نتیجه رساند که حساسیت مادرانه به طور آشکار بر دلبستگی ایمن کودک اثر می‌گذارد و این حساسیت مادرانه، می‌تواند از طریق آموزش مهارت‌ها به دست آید. علاوه بر این، افزایش حساسیت مادرانه بر روی فرایندهای توجهی مادر اثر می‌گذارد و باعث می‌شود که رفتارهای فعلی کودک خود را بهتر درک کند (۲۲). بنابراین، بین سبک مادری و طبقه دلبستگی کودک رابطه تنگاتنگی وجود دارد (۲۳).

یافته دیگر پژوهش، نشان داد که آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران، باعث کاهش مشکلات رفتاری کودکان در مرحله پس‌آزمون شده است. نتایج این فرض با برخی مطالعات (۲۴، ۳) همسویی دارد. این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که آموزش مهارت‌های زندگی به مادران از طریق تغییر در آگاهی آن‌ها، باعث کاهش مشکلات رفتاری در کودکان شده است. این آگاهی هم در تشخیص مشکلات رفتاری و هم در چگونگی و نحوه برخورد با کودکان به وجود آمده است. آموزش‌های مهارت‌های زندگی در والدین این خودآگاهی را به وجود می‌آورد که به مشکلات رفتاری کودکان و برخورد مناسب با آن‌ها آگاه شوند و چنانچه در آنان تعارضاتی در این رابطه وجود داشته باشد، این تعارضات را حل نمایند و در نتیجه رفتار مناسب‌تری با کودکان خود داشته باشند. بنابراین، آموزش مهارت‌های عاطفی مادران در رده آموزش‌های مهم والدین در نظر گرفته می‌شود. تغییراتی که در نتیجه آموزش مهارت‌های عاطفی والدین به وجود می‌آید، باعث ایجاد تغییرات مهمی در رشد شناختی کودکان (شامل شناخت اجتماعی)، بیان احساس و شناخت احساس، افزایش خودآگاهی مادران و افزایش شناخت احساس دیگران از جمله فرزندان و توانایی بیشتر برای تنظیم هیجانات می‌گردد. این پژوهش، در راستای بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های عاطفی به مادران و تأیید این اثربخشی بر روی کیفیت دلبستگی و کاهش مشکلات رفتاری کودکان، استفاده از این آموزش‌ها را در دوره دبستان و راهنمایی پیشنهاد می‌دهد.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند که از همکاری صمیمانه کارکنان و دانش‌آموزان دبستان ناحیه ۳ شهر اصفهان تقدیر و تشکر نمایند.

References

1. Fogel A. *Infancy: infant, family, and society*. 2nd ed. Eagan, MN: West Publishing Company; 1991.
2. Zachrisson HD. Attachment in middle and late childhood : measurement validation and relation to mental health problems. *Psykologisk institutt UiO* 2009. [Online]. [cited 2009]; Available from: URL:<https://www.duo.uio.no/handle/10852/18540>
3. Tork Ladani F, Malekpour M, Golparvar M. The effect of mothers life skills training on behavioral problems of students in third to fifth grade of elementary school in Isfahan city in the academic year 1386-1387. *Knowledge and Reserch in Applied Psychology* 2008; 10(37): 65-82.
4. Bowlby J. Attachment and loss: retrospect and prospect. *Am J Orthopsychiatry* 1982; 52(4): 664-78.
5. DeKlyen M, Greenberg MT. Attachment and psychopathology in childhood. In: Cassidy J, Shaver PR, editors. *Handbook of attachment: theory, research, and clinical applications*. 2nd ed. New York, NY: Guilford Press; 2008. p. 3-22.
6. Ainsworth MDS, Blehar MC, Waters E, Wall SN. *Patterns of attachment: a psychological study of the strange situation*

- (Psychology Press and Routledge Classic Editions). New York, NY: Psychology Press; 2014.
7. Kerns KA. Attachment in middle childhood. In: Cassidy J, Shaver PR, editors. Handbook of attachment: theory, research, and clinical applications. 2nd ed. New York NY: Guilford Press; 2008.
 8. Lam WK, Fals-Stewart W, Kelley ML. Effects of parent skills training with behavioral couples therapy for alcoholism on children: a randomized clinical pilot trial. *Addict Behav* 2008; 33(8): 1076-80.
 9. Smith PB, Pederson DR. Maternal sensitivity and patterns of infant-mother attachment. *Child Dev* 1988; 59(4): 1097-101.
 10. Kochanska G, Friesenborg AE, Lange LA, Martel MM, Kochanska G. Parents' personality and infants' temperament as contributors to their emerging relationship. *J Pers Soc Psychol* 2004; 86(5): 744-59.
 11. Mills-Koonce WR, Garipey JL, Propper C, Sutton K, Calkins S, Moore G, et al. Infant and parent factors associated with early maternal sensitivity: a caregiver-attachment systems approach. *Infant Behav Dev* 2007; 30(1): 114-26.
 12. Izard CE, Haynes OM, Chisholm G, Baak K. Emotional determinants of infant-mother attachment. *Child Dev* 1991; 62(5): 906-17.
 13. Goodman SH, Gotlib IH. Children of depressed parents: mechanisms of risk and implications for treatment. 1st ed. Washington, DC: American Psychological Association; 2001.
 14. Gullone E, Robinson K. The inventory of parent and peer attachment—revised (ippa-r) for children: a psychometric investigation. *Clin Psychol Psychother* 2005; 12(1): 67-79.
 15. Shakeniya F, Behrouz B, Behrouz B, Kajbaf M, Behamin G. Therpy approach on depressive symptoms and quality of attachment of primary school boys. *Knowledge and Research in Applied Psychology* 2013; 14(53): 22-31. [In Persian].
 16. Akbari M. Comparison of academic achievement and social adjustment of slow learning students using attach and normal classes in Hamedan. Tehran, Iran: University of Tehran; 2000. [In Persian].
 17. Keramati K, Bolhari J, Asgharnejad Farid AA. Effect of father loss on behavioral disorders in primary school children. *Iran J Psychiatry Clin Psychol* 2007; 12(4): 390-5.
 18. Belsky J, Fearon RMP. Precursors of attachment security. In: Cassidy J, Shaver PR, editors. Handbook of attachment: theory, research, and clinical applications. 2nd ed. New York, NY: Guilford Press; 2008.
 19. Moussavi Z, Ahghar G, Assadzadeh H. The effectiveness of group counseling based on a cognitive-behavioral approach in modifying students attachment styles. *Developmental Psychology (Journal of Iranian Psychologists)* 2011; 8(29): 45-54.
 20. van den Boom DC. Sensitivity and attachment: next steps for developmentalists. *Child Dev* 1997; 68(4): 592-4.
 21. Miyake K, Chen SJ, Campos JJ. Infant temperament, mother's mode of interaction, and attachment in Japan: an interim report. *Monogr Soc Res Child Dev* 1985; 50(1-2): 276-97.
 22. Schuengel C, Bakermans-Kranenburg MJ, Van IJzendoorn MH. Frightening maternal behavior linking unresolved loss and disorganized infant attachment. *J Consult Clin Psychol* 1999; 67(1): 54-63.
 23. Stevenson-Hinde J, Souldice A. Maternal interactions and self-reports related to attachment classifications at 4.5 years. *Child Development* 1995; 66(3): 583-96.
 24. Turner KM, Richards M, Sanders MR. Randomised clinical trial of a group parent education programme for Australian indigenous families. *J Paediatr Child Health* 2007; 43(6): 429-37.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Effectiveness of Emotional Skills Training of Mothers on Reducing Insecure Attachment and Behavioral Issues among Elementary Students in Isfahan, Iran

Afsaneh Hassanpoor¹, Farshid Asalani², Zohreh Goudarzi³

Original Article

Abstract

Aim and Background: The formation of insecure attachment and its governing conditions are the root of many health, emotional, behavioral, social, and etcetera issues. Therefore, training mothers on emotional skills is a suitable way of reducing maternal insecure attachment and behavioral issues.

Methods and Materials: The study subjects were selected through cluster-random sampling and assigned to the experimental and control groups. The participants completed the questionnaires in the pretest and posttest periods. Mothers in the experimental group received emotional skills training in 8 group sessions and the control group did not receive any training during the study period. The data were analyzed using ANCOVA in SPSS software.

Findings: As a consequence of emotional skills training, attachment quality in the experimental group significantly increased in comparison with the control group ($P < 0.05$). In addition, a significant decrease was observed in the rate of children's behavioral issues ($P < 0.05$).

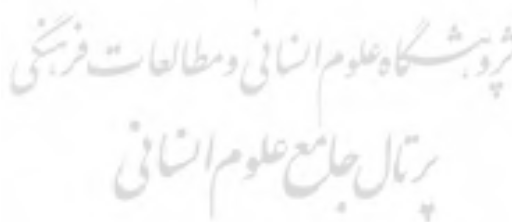
Conclusions: Causing changes in maternal sensitivity is a strong predictor of changes in children's attachment. The issue most mothers face is that their method and time of interaction does not match their child's needs. Reduction in maternal sensitivity can be achieved through skills training. Moreover, increased maternal sensitivity affects mothers' attentional processes and helps the better understand their child's behavior.

Keywords: Emotional skills, Insecure attachment, Behavioral issues, Students

Citation: Hassanpoor A, Asalani F, Goudarzi Z. Effectiveness of Emotional Skills Training of Mothers on Reducing Insecure Attachment and Behavioral Issues among Elementary Students in Isfahan, Iran. J Res Behav Sci 2015; 13(4): 625-30

Received: 20.07.2015

Accepted: 23.10.2015



1- Department of Educational Sciences, School of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2- Instructor, Department of Public Administration, School of Management, Economy and Accounting, Payame Noor University of Fereydunshahr, Isfahan, Iran

3- Instructor, Department of Educational Sciences, School of Educational Sciences and Psychology, Payame Noor University of Fereydoonshahr, Isfahan, Iran

Corresponding Author: Farshid Asalani, Email: farshidaslani.phdpnu@yahoo.com